

## Family Law in the Mirror of Modernity and Islamic Lifestyle

### ARTICLE INFO

#### Article Type

Analytical Review

#### Authors

Ruhollah Mohammad Alinejad Omran <sup>1</sup>

Farzad Dehghani<sup>2\*</sup>

Abdolazim Khoroshi<sup>3</sup>

#### How to cite this article

Ruhollah Mohammad Alinejad Omran, Farzad Dehghani, Abdolazim Khoroshi, Family Law in the Mirror of Modernity and Islamic Lifestyle. Islamic Life Style. 2021; 5 (2) :108-117

1. Assistant Professor, Department of Qu'ran and Hadith, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Qu'ran and Hadith, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Law, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

### ABSTRACT

**Purpose:** The lifestyle of the Iranian family has been based on religious and national identity, but modernity has affected most societies, including Islamic Iran, which has resulted in the emergence of a conflict between the religious, national and modern identities and has led to the emergence of Challenges in lifestyle in the field of family and the causes of damages due to non-application of Islamic lifestyle. This article examines the effects of modernity on the Islamic way of life in the field of family law. And answering the question of possibility of interaction between Islamic lifestyle and modernity.

**Materials and Methods:** The present study has been done by library-citation method and analysis in the form of qualitative (descriptive-analytical) content analysis.

**Findings:** The findings of the study indicate that the effects of modernity on lifestyle in the challenge of individuality, definite celibacy, consensual divorce, rejection of arbitration in divorce, heavy dowry and obtaining the right of divorce instead of the dowry, unwillingness to have children, the challenge in The wardship of children is emerging. The teachings of Islam use the Qur'anic spirit and innate and rational philosophy as a criterion in the lifestyle and do not negate the totality of modernity. In the interaction of modernity and the Islamic lifestyle in the field of family, the mentioned component should be evaluated.

**Conclusion:** The teachings of Islam place the Qur'anic spirit and natural and rational philosophy in the standard of living and do not negate the totality of modernity. It means, any new identity that is found in the field of family, if it complies with the Islamic identity in accordance with the Quranic spirit, will not cause conflict with the Islamic lifestyle, since all Islamic rules in the area of family are based on divine, innate, rational and understandable. In the interaction of modernity and Islamic lifestyle in the area of family, the mentioned component should be the criterion of evaluation. In fact, instead of matching the totality of modernity with the whole Islamic lifestyle, the components of Islamic lifestyle should be the criterion of evaluating the modernity. An Islamic family should be based on the Islamic lifestyle.

**Keywords:** Quran, Lifestyle, Family Law, Modernity

#### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: f.dehghani@hsu.ac.ir

#### Article History

Received: 2021/04/14

Accepted: 2021/06/15

## حقوق خانواده در آیین مدرنیته و سبک زندگی اسلامی

روح الله محمدعلی نژاد عمران<sup>۱</sup>

استادیار، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

فرزاد دهقانی<sup>۲</sup>

استادیار، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. (نویسنده مسئول).

عبدالعظیم خروشی<sup>۳</sup>

استادیار، گروه حقوق، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

### چکیده

**هدف:** سبک زندگی خانواده ایرانی بر مبنای هویت دینی و ملی بوده است ولی مدرنیته تأثیر خود را در اغلب جوامع از جمله ایران اسلامی گذاشته است که نتیجه آن ظهور تعارض بین هویت سه گانه دینی، ملی و مدرنیته شده است و باعث به وجود آمدن چالش‌های در سبک زندگی در حوزه خانواده و بروز آسیب‌هایی به سبب عدم کاربست سبک زندگی اسلامی گردیده است. این نوشتار به دنبال بررسی این موضوع است که مدرنیته چه اثراتی بر سبک زندگی اسلامی در حیطه حقوق خانواده داشته است؟ آیا امکان تعامل بین سبک زندگی اسلامی و مدرنیته وجود دارد؟ مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای-استنادی و تجزیه و تحلیل به صورت تحلیل محتوایی کیفی (توصیفی-تحلیلی) صورت پذیرفته است.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تأثیرات مدرنیته بر سبک زندگی در چالش فردیت، مجرد قطعی، طلاق توافقی، رد داور در طلاق، مهریه سنگین و وکالت در طلاق به جای آن، عدم رغبت به فرزندآوری، چالش در ولایت فرزندان، ظهور دارد. آموزه‌های اسلام روح قرآنی و فلسفه فطری و عقلانی را در سبک زندگی ملاک قرار داده و نافی کلیت مدرنیته نیست و در تعامل مدرنیته و سبک زندگی اسلامی در حوزه خانواده باید مؤلفه مذکور ملاک ارزیابی قرار گیرد.

**نتیجه‌گیری:** آموزه‌های اسلام، روح قرآنی و فلسفه فطری و عقلانی را در سبک زندگی ملاک قرار داده و نافی کلیت مدرنیته نیست. بدین تعبیر که هر هویت جدیدی که در حوزه خانواده پیدا می‌شود اگر با هویت اسلامی متناسب و با روح قرآنی موافق باشد، باعث بروز تعارض و چالش در سبک زندگی اسلامی نمی‌شود، چون تمام احکام اسلامی در حوزه خانواده براساس مبنای الهی، فطری، عقلایی و قابل فهم است. در تعامل مدرنیته و سبک زندگی اسلامی در حوزه خانواده باید مؤلفه مذکور ملاک ارزیابی قرار گیرد. به جای تطبیق کلیت مدرنیته با کلیت سبک زندگی اسلامی، مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی ملاک ارزیابی هویت مدرنیته باشد تا هویت دینی حاکم بر هویت ملی و مدرنیته شده و خانواده بر مدار سبک زندگی اسلامی باشد.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، سبک زندگی، حقوق خانواده، مدرنیته.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

\*نویسنده مسئول: f.dehghani@hsu.ac.ir

### مقدمه

امروزه خانواده ایرانی خود را در جدال بین سبک زندگی ایرانی-اسلامی و مدرنیته گرفتار می‌بیند. از یک طرف با سبک زندگی‌ای مواجه است که ریشه در تاریخ، فرهنگ و مذهب دارد و از طرف دیگر با سبک زندگی مدرن روبرو است که نه تنها بعضاً جاذبه‌هایی هم دارد بلکه به ضرورت بر او تحمیل می‌شود و باید خود را با آن همراه سازد. حقوق به عنوان علم قاعده‌مند و تنظیم کننده روابط اجتماعی که آثار حقوقی بر آن مترتب است، باید این روابط را انتظام حقوقی دهد و پاسخ مناسبی برای آن بیابد. از آنجا که حقوق باید برای مسائل اجتماعی پاسخ مناسبی پیدا کند و نباید نسبت به یک مسئله اجتماعی بی تفاوت باشد یا آن را مورد شناسایی قرار ندهد، به همین جهت حقوق نیز به ناچار از قالب سنتی خود فاصله می‌گیرد خود را به روز می‌کند. البته این همراهی و مدرن شدن همیشه مستلزم بهبود و پیشرفت نیست. دو ویژگی برای حقوق سنتی می‌توان نام برد: اول اینکه در حقوق سنتی قواعد حقوقی حاکم با دیگر قواعد مربوط به آداب و رسوم، مذهب و اخلاق تقریباً هم‌پوشانی دارد و دوم اینکه نوعی مرجعیت فکری در شکل‌گیری قواعد رفتار اجتماعی وجود دارد. درحالیکه در حقوق مدرن مرجعیت فکری کنار می‌رود و نوعی برابری گرای جایگزین آن می‌شود. (۱). فرد گرایی و استفاده از عقل تجربی از ویژگی‌های حقوق مدرن است.

در این نوشتار به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که مدرنیته بر سبک زندگی و حقوق خانواده ایرانی چه اثری داشته است؟ چگونه می‌توان بین سبک زندگی اسلامی و مدرنیته تعامل برقرار کرد؟

در زمینه پیشینه پژوهش آثاری که با کلید واژه «سبک زندگی» به سرانجام رسیده به وفور در منابع اطلاعاتی یافت می‌شود، نزدیک‌ترین پژوهشی که با نوشتار حاضر ارتباط دارد، مقاله‌ای با عنوان «سبک زندگی خانوادگی از دیدگاه قرآن و مدرنیته» است (۲)؛ پژوهش مذکور به بررسی تطبیقی میان سبک زندگی خانوادگی و مدرنیته می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سؤال است که نقاط تمایز اصلی میان آن دو کدام است؟ اما نوشتار حاضر بحث را در حیطه حقوق خانواده در آیین مدرنیته و سبک زندگی اسلامی پیش می‌برد و نوآوری پژوهش نیز در این مسئله است.

### تعریف سبک زندگی

در متون انگلیسی، «سبک زندگی» که پیش از این با واژگان «style of life» و «life style» و «style of living» بیان می‌شده است اما اکنون بیشتر از اصطلاح «lifestyle» استفاده می‌شود که در فارسی آن را به «شیوه زندگی» و «اسلوب زندگی» ترجمه کرده‌اند. (۳). سبک به معنی فکر یا معنی، صورت یا شکل است (۴)، ذیل واژه سبک). سبک شیوه فردی برخاسته از ذهنیات و برداشت‌های فردی از زندگی فرد است. سبک در سبک

نیکوست [یعنی] برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید می‌بندد؛ و هر کس روی برتابد [بداند که] خدا همان بی‌نیاز ستوده [صفات] است. قرآن از پیامبر (ص) خواسته است که به پیامبران و رسولان گذشته، در عقیده توحید و کارهای با فضیلت که خدا آن‌ها را به سوی آن هدایت کرده است، اقتدا کند. «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدَهُ...» (انعام/۹۰)؛ اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است پس به هدایت آنان اقتدا کن.

انسان از طریق یک الگوی خوب، عادت‌های نیکو و اخلاق شایسته را می‌آموزد، همان‌طور که از طریق الگوی بد و ناهل، عادت‌های بد و اخلاق زشت را یاد می‌گیرد (۹). بنابراین سبک زندگی‌ای که می‌تواند مطابق فطرت انسانی، و شرع مقدس باشد و مؤلفه‌های سعادتمندی را به ارمغان بیاورد که از ویژگی‌های آن انطباق با قرآن و سیره معصومان (ع) باشد. در این صورت است که کاربست آن موجب ارتقای سلامت روانی فرد، خانواده و جامعه می‌شود و پایبندی به احکام و حقوق اجتماعی را در سطح خانواده و جامعه متجلی می‌کند.

#### تعریف خانواده

خانواده در قانون مدنی یا دیگر قوانین تعریف نشده است ولی با توجه به ساختار آن می‌توان دو معنای عام (گسترده) و خاص (محدود) برای آن قائل شد. در مفهوم عام خانواده عبارت از گروهی است متشکل از اشخاصی که در اثر قرابت نسبی و نکاح از یکدیگر ارث می‌برند. مواد ۸۶۲ و ۱۰۳۲ قانون مدنی که طبقات خویشاوندان نسبی را نام می‌برد ناظر به خانواده در معنای عام آن است. گاهی خانواده به معنای عام‌تری نیز به کار رفته و همه خویشان سببی را شامل آن دانسته‌اند (۱۰). خانواده در معنای خاص همان خانواده هسته‌ای است که متشکل از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنان هستند و به طور معمول با هم زندگی می‌کنند. در بند ۳ از ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز خانواده چنین تعریف شده است: «خانواده یک گروه طبیعی و اساسی از واحد اجتماعی است که شایسته است از حمایت جامعه و دولت برخوردار شود» که به نظر همین مفهوم خاص آن را در نظر داشته است.

به طور کلی در تعریف خانواده می‌توان گفت: «خانواده گروهی است که به دلیل قرابت یا زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و تحت رهبری و ریاست مقامی قرار گرفته است». (۱۱) که این مقام معمولاً شوهر یا پدر است. اما در تعریفی که از خانواده ارایه شود، شاید آن تعریف نتواند شامل همه اشکال اجتماعی آن باشد چنانکه گفته شده است «خانواده نظامی است که در طول زمان حرکت می‌کند». (۱۲). بنابراین خانواده پدیده‌ای پویا و سیال در طول زمان است که با توجه به اقتضائات زمان شکل جدیدی به خود می‌گیرد چنانکه «خانواده گسترده» که شکل رایج خانواده در گذشته بوده است امروزه به «خانواده هسته‌ای» تغییر ساختار داده است و از تعداد خانواده‌های گسترده کاسته شده است.

#### خانواده از نگاه قرآن

زندگی نیز می‌تواند، روش یا قالبی خاص برای زندگی باشد که از فکر، مزاج و طبیعت بر می‌خیزد (۵). تعریف سبک زندگی از منظر سازمان بهداشت جهانی عبارت است از روش زندگی مردم و بازتابی از ارزش‌های اجتماعی، نوع برخورد و فعالیت‌های آن‌ها و ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی است که حاصل فرآیند جامعه‌پذیری است (۶). مفهوم سبک زندگی در رشته مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های هر فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنای زندگی اجتماعی او و همچنین نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه باشد، به عبارتی، سبک زندگی بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش‌های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دلالت دارد و از به هم تنیدگی و پیوند و نظام‌وارگی و شبکه‌ای بودن عوامل متعددی که در شیوه‌های زندگی یا اقلیم‌های زیستن انسان تأثیرگذارند، پدید آمده است (۷). در سبک زندگی اسلامی رفتارهای فرد مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، نه باورها و عواطف و نگرش، با این تعبیر که هر رفتاری اگر بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد باید شناخت و عواطف اسلامی را به عنوان پشتوانه داشته باشد (۸).

باید توجه داشت که خداوند برای بندگان آیین‌نامه زندگی با کمال وحی می‌فرستد. قرآن کریم بهترین و کامل‌ترین منبع برای اصلاح سبک زندگی و هدفداری آن و نیل به سعادت است. چنانچه می‌فرماید: «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء/۱۰)؛ بی‌تردید کتابی به سوی شما نازل کردیم که [شرف، بزرگواری، رشد و سعادت شما] در آن است آیا نمی‌اندیشید. کاربست عملیاتی این آیین‌نامه را در زندگی اسوه‌های نشان می‌دهد تا به واسطه شناسایی الگوهای خوب و مدل زندگی-شان تغییر در سبک غلط زندگی امان‌پذیر باشد. قرآن مسلمانان را به پیروی از پیامبر اکرم (ص) و فراگیری از آن حضرت، سفارش کرده است. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۱)؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشق نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند. در همین راستا، قرآن، از مسلمانان خواسته است که در بیزاری از قوم مشرک خود، از ابراهیم (ع) و مؤمنان همراهش پیروی کنند و از آنها دعوت کرده است که مانند حضرت ابراهیم (ع) از دوستی با خویشاوندان مشرک، پرهیز کنند. «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَأَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ...» (ممتحنه/۴)؛ قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم (ع) و کسانی که با اویند سرمشق نیکوست: آن گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم. به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید. همچنین می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مِن يَتَوَلَّى اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (ممتحنه/۶)؛ قطعاً برای شما در [پیروی از] آنان سرمشق

نزدیک‌ترین لفظ برای مفهوم خانواده در زبان عربی «أهل» است که در لغت در معانی خانواده، خاندان، سزاوار و شایسته، انس و اختصاص و تعلق داشتن به چیزی است (۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸). با این تعبیر که «أهل الرجل» یعنی کسانی که نسبی یا دینی یا چیزی همانند آنها مثل خانه‌ای و شهر و بنایی آنها را با یکدیگر جمع و مربوط می‌کند و آن‌ها را اهل و خانواده آن شخص گویند، پس «أهل الرجل» در اصل کسانی هستند که مسکن و خانه‌ای واحد، آنها را در یک جا جمع و فراهم می‌آورد (۱۴). سپس این معنی توسعه یافته و گفته‌اند «أهل بیت» یعنی کسانی که نسب خانوادگی وسیله جمع آنهاست (۱۴). قرآن به ضرورت تشکیل خانواده تأکید کرده است «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»<sup>۱</sup> (نور/۳۲)، اهمیت خانواده در قرآن به اندازی است که خداوند در اشاره به خلقت انسان‌ها، به لوازم خلقت که همان خانواده است و فلسفه تشکیل آن اشاره می‌کند «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهَا لَنْ أَنْتِنَا صَالِحًا لَنَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ»<sup>۲</sup> (اعراف/۱۸۹)؛ در آیه مذکور هم به یکی از فلسفه‌های ازدواج، آرامش اشاره می‌کند و هم به فرزندآوری و تلاش و دعا برای فرزندان بر خوردار از سلامت جسمانی و معنوی را تصویرسازی می‌کند. «سکون» در مقابل حرکت و اعم است از حالت استقرار مادی و معنوی و سکون معنوی عبارت است از حالت طمأنینه، باید توجه داشت که برنامه در زندگی انسان‌ها استقرار فکری و طمأنینه حال افراد است به أزواج آن‌ها که نساء باشند (۱۹). در تعبیری دیگر تشکیل خانواده از نشانه‌های قدرت و ربوبیت خداوند معرفی شده است «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/۲۱)؛ در آیه فوق‌الذکر بخش دیگری از آیات انفسی را که در مرحله بعد از آفرینش انسان قرار دارد مطرح کرده می‌فرماید: «دیگر از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش بیابید» و از آنجا که ادامه این پیوند در میان همسران خصوصاً و در میان همه انسان‌ها عموماً، نیاز به یک جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می‌کند: «و در میان شما مودت و رحمت آفرید» و در پایان آیه برای تأکید بیشتر می‌فرماید: «در این امور نشانه‌هایی است برای افرادی که تفکر می‌کنند» قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است، و با تعبیر پر معنی «لتسكنوا» مسائل بسیاری را بیان کرده است (۲۰).

تأثیر سبک زندگی مدرنیته بر خانواده

سبک زندگی اثر مستقیم خود را بر خانواده به جا می‌نهد به نحوی امروزه شکل و تعامل درون خانوادگی در جوامع سنتی دیگر تغییر پیدا کرده است. شیوه زندگی مدرن و اقتضائات آن، شکل، ساختار و تعاملات خانوادگی را تحت تأثیر خود قرار داده است. مهمترین عامل اثرگذار را شاید بتوان جهانی شدن و مدرنیته دانست. فردگرایی از شاخصه‌های مدرنیته است. بنابراین یکی از مظاهر آن نیز ظهور خانواده‌های فردی یا فردیت یافته دانست. «فردگرایی بیانگر جامعه‌ای است که پیوندهای بین افراد سست است؛ هر فرد به خود یا خویشان درجه خود توجه دارد» (۲۱). هرچند پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد که خانواده در ایران آخرین واحد فردگرایی است (۲۲). اما در دو دهه اخیر جامعه دچار تحولات زیادی شده است که تحولات اقتصادی، اجتماعی و تحصیلات دانشگاهی در این امر موثر بوده است به نحوی که زمان گفتگوهای خانودگی کاهش جدی یافته است، فرزندان در تصمیمات خود چندان مانند گذشته از مشورت والدین استفاده نمی‌کنند و یا اتاق و مسکن مستقل دارند.

سبک زندگی در بسیاری از کشورها تحت تأثیر جهانی شدن قرار گرفته است و پدیده‌ای مانند تأخیر در ازدواج که در گذشته شاخصی برای کشورهای غربی محسوب می‌شد امروزه به کشورهای اسلامی نیز تسری یافته است و با پدیده بالارفتن سن ازدواج روبرو هستند (۲۳).

الگوی سبک زندگی اسلامی در خانواده با نقد فردیت کاربست سبک زندگی ناظر به قرآن و سنت در حوزه خانواده باعث سلامت روانی خانواده و شکوفایی استعداد تک تک اعضا می‌شود. شخص فردگرا خود را بی‌نیاز از مداخله دیگران در تصمیمات خویش می‌داند و نسبت به تأثیر آن بر دیگران بی‌توجه است. حال آنکه در اهمیت مشورت در تحکیم بنیان خانواده همین بس که خداوند به پیامبر (ص) هم دستور مشورت می‌دهد و از ایشان می‌خواهد در کارها با مسلمانان مشورت کند «شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران/۱۵۹) موضوع مشاوره در اسلام با اهمیت خاصی تلقی شده، پیغمبر اکرم (ص) با این که قطع نظر از وحی آسمانی آن چنان فکر نیرومندی داشت که نیازی به مشاوره نداشت برای اینکه از یک سو مسلمانان را به اهمیت مشورت متوجه سازد تا آن را جزء برنامه‌های اساسی زندگی خود قرار دهند، و از سوی دیگر، نیروی فکر و اندیشه را در افراد پرورش دهد، یکی از عوامل موفقیت پیامبر (ص) در پیشبرد اهداف اسلامی همین موضوع بود (۲۴). از طرفی هر چقدر مشورت کم‌تر باشد آسیب‌های آن محسوس‌تر است. بنیان خانواده در سبک زندگی اسلامی بر اساس صمیمیت و رحمت و مودت ایحاد شده است (نک: روم/۲۱) و یکی از عوامل مؤثر در این فضای صمیمی

سبک حامله شد، پس با آن حمل سبک، زندگی را ادامه داد پس چون سنگین بار شد، زن و شوهر پروردگارش را خواندند که: اگر به ما فرزندی تندرست و سالم عطا کنی، مسلماً از سپاس‌گزاران خواهیم بود.

۱. [مردان و زنان] بی‌همسران و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید اگر تهیدستانند، خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند و خدا بسیار عطا کننده و داناست.

۲. او کسی است که شما را از یک تن آفرید، و همسرش را از او پدید آورد تا در کنارش آرامش یابد پس هنگامی که مرد با زن آمیزش نمود، زن به حملی

بی‌نیاز از همسر نیست نه اینکه تحقیقاً چنین باشد زیرا «ایامی» ویژه زنان بی‌شوهر است (۳۱).

بنابراین «ایامی» جمع «ایم» (بر وزن قیم) در اصل به معنی زنی است که شوهر ندارد، سپس به مردی که همسر ندارد نیز گفته شده است و به این ترتیب تمام زنان و مردان مجرد در مفهوم این آیه داخلند خواه بکر باشند یا بیوه. تعبیر «انکحوا» (آنها را همسر دهید) با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومش این است که مقدمات ازدواج آن‌ها را فراهم سازید، از طریق کمک‌های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسأله ازدواج و بالاخره پا در میانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام پذیر نیست (۳۲) باید توجه داشت که مراد از «الصالحین» صالح برای تزویج است نه صالح در اعمال (۳۳) و اینگونه تعبیر می‌شود که از غلامان و کنیزان خود که شایستگی و آمادگی این کار را داشته باشد در حقش ازدواج را عملی کنید (۳۴). بنابراین باید با توجه به سیاق آیه فوق‌الذکر به دو نکته توجه داشت. نکته اول اینکه مراد از «الایامی» مردان و زنان مجرد و عذب است و لفظ «عذب» برای کسانی اطلاق می‌شود که مفهوم «تأهل» برای او مصداق داشته باشد یعنی شخص بالقوه امکان تأهل و نیاز به ازدواج داشته باشد ولی بنا به شرایطی، از جمله شرایط مالی، عذب مانده باشند که سفارش قرآن و سبک زندگی اسلامی فراهم کردن مقدمات تعجیل در ازدواج و حمایت است و به طور ضمنی تأخیر در ازدواج را مذمت می‌کند. نکته دوم، مفهوم «الصالحین» که در سیاق واقع شده و بیانگر شایستگی و آمادگی برای ازدواج است و بهترین مفهوم آمادگی در ازدواج به موقع و عدم تأخیر آن است.

#### تأثیر سبک زندگی بر حقوق خانواده

در بالا به تأثیر سبک زندگی بر خانواده به اختصار اشاره شد. در ادامه تأثیر آن را به طور بر «حقوق خانواده» مورد توجه قرار می‌دهیم. منظور از مطلب اخیر آن است که بررسی شود شیوه زندگی امروزی چه اثراتی بر حقوق و مقررات خانواده گذاشته است. در اینجا به ذکر و توصیف نمونه‌هایی از آن پرداخته خواهد شد. بسیاری از این تأثیرات، منبعث از واقعیات و در راستای چاره‌اندیشی برای این واقعیات بوده است هرچند ممکن است در راستای هدف مطلوب نظام خانواده نبوده باشد. زیرا حقوق تکلیف دارد مسائل جامعه را حل و فصل کند و به آن انتظام بخشد. از نظر مکتب حقوق پوزیتیویستی، حقوق نه برآمده از «بایدها» بلکه برآمده از «تجربیات حسی» و «هست‌ها» است. برخی نیز خود دولت را یک نظام حقوقی می‌دانند که اقدامات او قابل اسناد به اجتماع است (۳۵). بنابراین از منظر مکاتب پوزیتیویستی حقوق دنباله‌رو واقعیات اجتماعی است. در حالی که حقوق اسلامی، مفهوم آن با پوزیتیویسم حقوقی متفاوت است و با اینکه شباهت‌هایی با حقوق فطری دارد ولی در نحوه تبیین و تشریح حق با آن نیز تفاوت‌هایی دارد و آن اعتباری را حق می‌داند که به فطرت و غایت انسان هماهنگ باشد (۳۶).

در ادامه به برخی از مصادیق سبک زندگی که بر حقوق خانواده اثر گذاشته است اشاره می‌شود.

دلسوزی‌ها و خیرخواهی‌های است که در قالب مشورت خودنمایی می‌کند، هر چقدر اعضای خانواده موقعیت مشورت کردن را در خانه ایجاد کنند و درباره امور تک تک اعضای خانواده شور کنند، سلامت روانی و معنوی خانواده را تضمین کرده‌اند، علی‌الخصوص مشورت پدر و مادر به سبب تجربه، علم و محبت و خیرخواهی گریزناپذیر است. هر چقدر اعضای خانواده خود را بی‌نیاز از مشورت خانواده ببیند و دچار خود رأی شود به همان نسبت دچار شکست می‌شود. چنانچه حضرت علی (ع) به این مسئله هشدار داده است: «من استبد برایه هلك» (۲۵). در تعبیری دیگر ایشان مشورت با صاحبان خرد و دانش و تجربه و دوراندیشی را بهترین مشاوران می‌داند: «خَيْرُ مَنْ شَاوَرْتُ دَوُوُ النَّهْيِ وَالْعِلْمُ وَأَوَّلُوُ التَّجَارِبِ وَالْحَزْمُ» (۲۶). فلسفه اصلی مشورت استفاده از عقول دیگران است «وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهُمْ فِي عُقُولِهِا» (۲۷).

سبک زندگی اسلامی به مشورت درون خانوادگی و استفاده از نظرات والدین و فرزندان تأکید می‌کند نه فقط به مشورت یک-طرفه والدین که این اشکال پیش بیاید که سبک زندگی مدرنیته فردگرایی را رواج داده چون قبلاً از نظرات فرزندان استفاده نمی-شد. چنانچه در قرآن مشورت گرفتن پدر از فرزند و عمل به مشورت عقلایی او بیان شده است، حضرت شعیب (ع) بعد از مشورت دختر خود، حضرت موسی (ع) را به استخدام خود درآورد: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتَ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ أَقْوَى الْأَمِينِ» (قصص/۲۶)؛ یکی از آن دو زن گفت: ای پدر! او را استخدام کن زیرا بهترین کسی که استخدام می‌کنی آن کسی است که نیرومند و امین باشد [و او دارای این صفات است. همچنین عکس حالت پیش هم در قرآن آمده است، وقتی حضرت یوسف (ع) خواب می‌بیند آن را با پدر مطرح کرده و با ایشان مشورت می‌کند و نهایتاً حضرت یعقوب (ع) نظر پخته‌ای ارائه می‌دهد (نک: یوسف/۵).

الگوی سبک زندگی اسلامی در خانواده با نقد تأخیر در ازدواج از منظر قرآن ازدواج باید در زمان مناسب خود انجام شود و به تأخیر انداختن آن جایز نیست. چنانکه می‌فرماید: «وَأَنْكَحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور/۳۲)؛ [مردان و زنان] بی‌همسران و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید اگر تهیدستانند، خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند و خدا بسیار عطاکننده و داناست.

«ایم» به مردان و زنانی اطلاق می‌شود که زوج (همسر) ندارد، چه باکره باشد، چه مطلقه باشد و چه بیوه (۲۸، ۲۹، ۳۰). ابن فارس می‌نویسد مراد زنی است که شوهر ندارد و مردی است که همسر ندارد (۱۶). راغب اصفهانی می‌نویسد «الایامی» جمع «ایم» است یعنی زنی که بی‌شوهر است و گفته‌اند مردی را هم که بدون همسر باشد، شامل می‌شود ولی این معنی به صورت تشبیه نمودن به زنی که بی‌شوهر است استعمال شده است و بدین سبب مرد بی‌همسر را نیز شامل آن معنی نموده‌اند چون مرد بی‌همسر هم در حقیقت

## ازدواج

ازدواج بین یک زن و مرد به موجب عقد ازدواج واقع می‌شود. عقد ازدواج قراردادی است که زن و مرد با یکدیگر در زندگی شریک و متحد می‌شود و تشکیل خانواده می‌دهند (۳۷). ازدواج امر ممدوحی است که در دین اسلام مورد سفارش بسیار قرار گرفته است اما امروزه امتثال این سنت پسندیده با موانعی مواجه شده است به نحوی که با پدیده‌هایی همچون «تاخیر در ازدواج» و «تجرد قطعی» مواجه هستیم که هر یک به نحوی بر مقررات حاکم بر ازدواج اثرگذار بوده است که در زیر به آن اشاره می‌شود.

## تجرد قطعی و سرپرستی کودک

در جامعه‌شناسی چنانچه تجرد ابتدایی تا ۴۵ سالگی یا ۴۹ سالگی به طول انجامد به آن تجرد قطعی گفته می‌شود. (۳۸). میزان تجرد قطعی زنان در بین از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ از ۲/۸ به ۳/۸ رسیده است (۳۹). با احتساب تجرد ثانویه، بر اساس آمار ۱۳۹۵ میزان زنان دارای تجرد قطعی حدود یک میلیون نفر برآورد شده است (۴۰).

موضوع افزایش تجرد سبب شده است تا قانونگذار نه در جهت کمک به حل این مساله بلکه در راستای کاستن از آثار نامطلوب تجرد در «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست» مصوب ۱۳۹۲ طی ماده ۵ به دختران مجرد با ۳۰ سال سن یا زنان بدون شوهر اجازه دهد سرپرستی کودکان اناث را بر عهده گیرند.

## سن ازدواج

در فقه اسلامی مطابق نظر مشهور بلوغ ملاک اهلیت نکاح است (۴۱، ۴۲). سن بلوغ در دختران ۹ سال و در پسران ۱۵ سال قمری است (ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی). شیوه و شرایط زندگی و اقتضائات جامعه متأثر از مدرنیته سبب شده است قانونگذار نیز در این حوزه ورود پیدا کند. چنانکه در سال ۱۳۱۳ در ماده ۱۰۴۱ مقرر کرد «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح مذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. معذالک در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثنائاً معافیت شرط سن اعطا شود. ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند». حتی بعداً در ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ ازدواج زن قبل از سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از ۲۰ سال تمام ممنوع شد و البته معافیت‌هایی نیز پیش بینی شد. صرف نظر از دیگر اصلاحات، در نهایت قانونگذار در سال ۱۳۸۱ ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی را اصلاح کرد و سعی کرد حد وسطی بین فقه و حقوق مدرن در نظر گیرد و مقرر داشت: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح». با وجود این، ماده مذکور از جهت اینکه نکاح قبل از سن

۱۳ سال برای دختر و قبل از ۱۵ سال برای پسر را تحت شرایطی اجازه می‌دهد مورد انتقاد قرار گرفته است (۴۳، ۴۴).

## طلاق

## طلاق توافقی

طلاق ایقاعی است که از سوی مرد برای انحلال نکاح انشا می‌شود (۴۵). طلاق به اراده مرد واقع می‌شود و حتی در زمانی که طلاق بر اساس توافق به صورت خلع یا مبارات صورت می‌گیرد، همچنان طلاق ایقاع و ناشی از اراده مرد محسوب می‌شود. (۴۶). در فقه «طلاق توافقی» مورد شناسایی قرار نگرفته است. اگرچه طلاق خلع و مبارات نوعی طلاق توافقی است اما طلاق توافقی که امروزه وجود دارد متفاوت از خلع مبارات می‌باشد. شناسایی «طلاق توافقی» یکی از مواردی است که قانونگذار تحت تاثیر ضروریات اجتماعی که خود منبعث از شیوه زندگی امروزی است، آن را پذیرفته است. آمار بالای اختلافات خانوادگی و افزوده شدن بر پرونده‌های قضایی طلاق، طولانی شدن روند رسیدگی و فرسایشی شدن دعاوی طلاق از سوی زنان به جهت دشواری اثبات موجبات الزام شوهر به طلاق و عوامل اجتماعی آسیب‌زای دیگر، موجب گردید تا قانونگذار یک بار در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ این نوع طلاق را به رسمیت بشناسد. اما در سال ۱۳۷۱ به موجب ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق رجوع به دادگاه لازم دانسته شد اما مجدد بر اساس همان مقتضیات پیش گفته در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ بار دیگر به رسمیت شناخته شد.

این در حالی است که سبک زندگی اسلامی اصل را بر ازدواج، ثبات خانواده، صلح و صمیمیت و آرامش در خانواده گذاشته و طلاق را عملی مخرب و ویرانگر قلمداد می‌کند. همانگونه که بنا به روایتی از پیامبر (ص) خانه‌ای که به واسطه ازدواج آباد شود نزد خداوند محبوب‌تر است و خانه‌ای که به واسطه طلاق خراب شود نزد خداوند مبغوض‌تر است «وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُعْمَرُ بِالنِّكَاحِ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُخْرَبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ يَعْنِي الطَّلَاقَ» (۴۷). بنا به روایت مذکور، ازدواج و طلاق به آبادانی و خرابی تعبیر شده است که نشان‌دهنده سبک خاص اسلام به این امر مهم است. در روایتی دیگر هم به ازدواج توصیه شده و از طلاق برحذر شده است و از طلاق اینگونه تعبیر شده که عرش خداوند را به لرزه در می‌آورد «تَزَوَّجُوا وَلَا تَطْلُقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَزُّ مِنْهُ الْعَرْشُ» (۴۷). بنابر نص روایات فوق‌الذکر سبک زندگی اسلامی نافی طلاق توافقی است.

## داوری در طلاق

هرگاه شوهر بخواهد زن خود را طلاق دهد باید به دادگاه مراجعه کند و دادگاه نیز برای حل و فصل اختلافات موضوع را به داوری ارجاع می‌دهد. این حکم مبتنی بر آیه ۳۵ سوره نساء است «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا»؛ محکمه صلح خانوادگی که در آیه فوق به آن اشاره شده یکی از

حمایت خانواده مقرر داشت که مهریه تا ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی به معادل آن وصول آن مشمول ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است و در پرداخت مازاد آن ملات مرد ملاک است. از طرف دیگر در مبارزه با رسم نادرست تعیین مهریه‌های سنگین و به تبع آن افزایش میزان مهریه، دیوان عدالت اداری طی رای شماره ۴۸۸ با توسل به نظریه فقهای شورای نگهبان که افزایش مهر در مرحله بعد از عقد نکاح را غیرشرعی اعلام کرده و فاقد ترتب آثار مهر دانسته است، امکان افزایش رسمی مهریه را با ابطال بخشنامه مربوطه غیرممکن اعلام کرد. هرچند نظریه شورای نگهبان و رای دیوان عدالت اداری از نظر حقوقی قابل اشکال است، لیکن آنچه مسلم است این است که چنین اقداماتی در راستای مبارزه با یک سبک نادرست است.

وکالت در طلاق به جای مهریه سنگین  
طلاق در اسلام بر اساس حدیث نبوی «الطلاق بید من اخذ بالاساق» به اراده مرد واقع می‌شود (۵۰) و ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی نیز بر همین مبنا تنظیم شده است. حتی در طلاق توافقی نیز طلاق با اراده و انشاء مرد واقع می‌شود (۵۱). زن نیز تنها در صورتی می‌تواند طلاق بگیرد که موجبات قانونی آن فراهم باشد که اثبات آن دشوار و گاهی نیازمند گذشت زمان است. به همین علت اخذ حکم طلاق از سوی زنان با دشواری‌های همراه است. از طرف دیگر تجربه عملی زنان در این سالها اثبات کرده است که مهریه‌های سنگین نه تنها تضمینی برای حمایت از حقوق آنان نیست بلکه چنین مهریه‌هایی نیز به راحتی قابل وصول نمی‌باشد و غالباً با اعسار زوج مواجه می‌شوند و توسط محاکم دادگستری پرداخت آن تقسط می‌شود. از این رو رویه دیگری در جامعه به خصوص بین اقشار تحصیل کرده در حال گسترش است که خانم‌ها به جای تعیین مهریه‌های سنگین، وکالت در طلاق را از شوهر اخذ می‌نمایند تا بدین طریق از دشواری‌ها و پیچ‌وخم‌های اثبات عسروخرج جهت استحقاق دریافت حکم طلاق از سوی دادگاه رهایی یابد.

#### فرزندآوری

تولید نسل و فرزندآوری یکی از اهداف مهم ازدواج است «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً...» (نحل/۷۲)؛ خداوند برای شما زوج‌های از جنس خودتان قرار داد و از همسرانتان فرزندان و نوادگانی پدید آورد. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که تمایل به فرزندآوری در جامعه کاهش یافته است که این عدم تمایل در جوامع شهری بالاتر است (۵۲) در این مطالعات در کنار دلایل تمایل به فرزندآوری، بیشترین دلایلی که برای فقدان تمایل به فرزندآوری ذکر شده است دلایلی همچون نگرانی در تامین آینده فرزندان، نگرانی در مورد افزایش مشکلات اقتصادی و کافی دانستن فرزندان فعلی ذکر شده است (۵۳).

ولایت و سرپرستی

شاهکارهای اسلام است. از جمله امتیازات این محکمه بدین شرح است که محیط خانواده کانون احساسات و عواطف است و طبعاً مقیاسی که در این محیط باید به کار رود با مقیاس سایر محیط‌ها متفاوت است، یعنی همانگونه که در "دادگاههای جنایی" نمی‌توان با مقیاس محبت و عاطفه کار کرد، در محیط خانواده نیز نمی‌توان تنها با مقیاس خشک قانون و مقررات بی روح گام برداشت، در اینجا باید حتی الامکان اختلافات را از طرق عاطفی حل کرد، لذا دستور می‌دهد که داوران این محکمه کسانی باشند که پیوند خویشاوندی به دو همسر دارند و می‌توانند عواطف آنها را در مسیر اصلاح تحریک کنند، بدیهی است این امتیاز تنها در این محکمه است و سایر محاکم فاقد آن هستند. همچنین در محاکم عادی قضایی طرفین دعوا مجبورند برای دفاع از خود، هر گونه اسراری که دارند فاش سازند. مسلم است که اگر زن و مرد در برابر افراد بیگانه و اجنبی اسرار زناشویی خود را فاش سازند احساسات یکدیگر را آن چنان جریحه- دار می‌کنند که اگر به اجبار دادگاه به منزل و خانه بازگردند، دیگر از آن صمیمیت و محبت سابق خبری نخواهد بود و همانند دو فرد بیگانه می‌شوند که به حکم اجبار باید وظائفی را انجام دهند. امتیاز دیگر این محکمه این است که داوران در محاکم معمولی، در جریان اختلافات غالباً بی‌تفاوتند و قضیه به هر شکل خاتمه یابد برای آنها تاثیری ندارد، دو همسر به خانه بازگردند، یا برای همیشه از یکدیگر جدا شوند، برای آنها فرق نمی‌کند. در حالی که در محکمه صلح فامیلی مطلب کاملاً به عکس است زیرا داوران این محکمه از بستگان نزدیک مرد و زن هستند و جدایی یا صلح آن دو، در زندگی این عده هم از نظر عاطفی و هم از نظر مسئولیت- های ناشی از آن تاثیر دارد و لذا آن‌ها نهایت کوشش را به خرج می‌دهند که صلح و صمیمیت در میان این دو برقرار شود (۴۸). اما اقتضائات پیش گفته و ضرورتی مانند تسریع در جدایی و بی‌فایده بودن ارجاع به داوری در جایی که طرفین تصمیم قاطع بر جدایی گرفته‌اند، موجب گردیده تا قانونگذار با پذیرش آن واقعیات، در ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده عدم لزوم ارجاع به داوری را بپذیرد.

#### مبارزه با رواج مهریه سنگین

ازدواج دائم در ماهیت یک قرارداد غیرمالی به شمار می‌رود و آثار مالی مترتب بر آن مانند تعیین مهریه امری فرعی و تبعی محسوب می‌شود (۴۹). اما متأسفانه امروزه منبعث از زندگی تشریفاتی و درک نادرست از هدف ازدواج، تعیین مهریه سنگین در جامعه گسترش یافته است. این موضوع مشکلات زیادی هم برای جوانان در شرف ازدواج ایجاد کرده است تا رغبت لازم به ازدواج نداشته باشند و هم برای زوجینی که زندگی آنان به جدایی منجر می‌شود مشکلاتی ایجاد کرده است؛ بدین صورت که مردی که از ناتوان از پرداخت مهریه بود مطابق قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به زندان می‌افتاد. این موضوع باعث بالارفتن شمار زیاد زندانیان مهریه گردید و خود بر مشکلات موجود افزود. قانونگذار به چاره‌اندیشی در خصوص این سبک رواج یافته تعیین مهریه پرداخت. قانونگذار در سال ۱۳۹۱ در ماده ۲۲ قانون

سبک زندگی اسلامی تعامل داشته و در خدمت آن باشد ولی اگر مخالف روح قرآنی باشد به طور قطع مایه تباهی حوزه خانواده می‌شود. به همین سبب است که امام صادق (ع) می‌فرماید: «وَالْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَابِسُ» (۵۸)؛ کسی که به زمان آگاه است، شبهه‌ها به او هجوم نمی‌آورند؛ می‌توان آگاهی به زمان را در روایت فوق، همان ارزیابی مسائل نوظهور با توجه به روح قرآنی دانست که در سبک زندگی نمود بیشتری دارد.

### نتیجه‌گیری

حقوق خانواده در ایران مبتنی بر فقه امامیه است و بعد از انقلاب اسلامی نیز اصلاحات متعددی در قوانین مربوط به این حوزه در راستای اسلامی‌سازی بیشتر آن صورت پذیرفت اگرچه برخی اصلاحات نیز در این راستا نبوده است و بیشتر مبتنی بر اقتضائات اجتماعی و تأثیرات مدرنیته انجام شده است. اگرچه مدرنیته اولین مظاهر خود را در خانواده و سبک زندگی خانواده‌ها نشان می‌دهد اما حوزه حقوق خانواده در ایران با اینکه کمترین تأثیر را از مدرنیته پذیرفته است و همچنان سعی کرده است حقوق سنتی را حفظ کند یا در پاره‌ای موارد مانند سن ازدواج بازگشت به حقوق سنتی داشته است یا سعی کرده است در میانه حقوق سنتی و حقوق مدرن جایی پیدا کند ولی از اثرات آن نیز دور نبوده است. از تأثیرات مدرنیته بر خانواده ایرانی و سپس تأثیر بر حقوق خانواده عبارت است از؛ چالش فردیت، تجرد قطعی، طلاق توافقی، به چالش کشاندن دآوری در طلاق، رواج مهریه سنگین، وکالت در طلاق به جای مهریه سنگین، عدم رغبت به فرزندآوری، چالش در بحث ولایت و سرپرستی فرزندان. چالش‌های مذکور، سبک زندگی اسلامی را در حوزه خانواده با مشکلات جدی روبرو کرده و آسیب‌های آن هم در جامعه ظهور و بروز دارد. در حالی که سبک زندگی اسلامی منبعث از متن محوری و مقدسی است که بر تمام شئون زندگی سایه افکنده و برنامه‌ای دقیق و مدون و راهگشا برای چالش‌های مدرنیته دارد و آموزه‌های اسلامی به گونه‌ای است که روح قرآنی و فلسفه عقلانی را در سبک زندگی مدنظر قرار می‌دهد و نافی کلیت مدرنیته نیست و در تعامل سبک زندگی اسلامی با مدرنیته در حوزه خانواده باید این مؤلفه ملاک ارزیابی قرار بگیرد. از آنجایی که معارف قرآنی منطبق بر فطرت سلیم انسانی است و این فطرت خدادادی، در زمان و مکانی خاص محدود نمی‌شود بلکه بهترین نسخه برای سبک زندگی در حوزه خانواده و حقوق خانواده در پرتو گذر زمان و مدرنیته با ملاک قرار دادن فلسفه زندگی بر پایه دین است.

### References

#### ❖ Quran Karim

1. Shahabi M, Az Hoghugh Sonati ta Hoghugh Modern Taamoli dar Mabani Tahavol Nezam Hoghugh, Hoghugh Tatbighi, 1388, p. 76-77
2. Kaviani M, Sabke Zendegi Khanevadegi az Didgah Quran va

ولایت بر فرزندان در اسلام برای پدر و جد پدری است (۵۴) و در ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی نیز مورد تصریح قرار گرفته است و برای مادر در این خصوص حقی درنظرگرفته نشده است. اما تحولات زندگی امروز و ارتقاء جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان و اینکه حکم ولایت پدر و جدپدری در اسلام از احکام تعبدی نیست بلکه حکمی امضایی که سابقه تاریخی و فرهنگی داشته است، ایده ولایت مادر را به وجود آورده و تقویت کرده است (۵۵). امروزه جامعه از حیث عقلی، عرفی و تجربی تقدم ولایت مادر بر جد پدری را به روشنی درک می‌کند و می‌پذیرد. (۵۶). اگرچه از جهت قانونی هنوز ولایت مادر به رسمیت شناخته نشده است اما نشانه‌هایی از ضروت پذیرش ولایت مادر و لوازم آن در قوانین متعدد می‌توان یافت مانند ماده ۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ به مادر در جهت مطالبه نفقه فرزند حق اقامه دعوا داده است و نیز ماده ۴۴ این قانون که حق اداره اموال خاصی از محصور به مادر داده است، در حقیقت از اختیارات ولی قهری است که هرچند به صورت محدود به مادر داده شده است که این نشان از پذیرش تحولات اجتماعی و همسو شدن با آن از سوی قانونگذار است. موارد فوق فقط نمونه‌های از تأثیرات مدرنیته بر خانواده ایرانی و سپس تأثیر بر قوانین و حقوق حوزه خانواده می‌باشد.

### تعامل سبک زندگی اسلامی با مدرنیته

قرآن کریم متن محوری و مقدس مسلمانان است که بر تمام شئون زندگی سایه افکنده است و آیین‌نامه زندگی و سعادت‌مندی دنیوی و اخروی است، زبان تعلیم این متن مقدس متناظر بر فطرت سلیم انسانی است به همین سبب بیان کننده همه چیز (نک: نحل/۸۹) قابل فهم (نک: فصلت/۴۴) و شفا و رحمت (نک: اسراء/۸۲) است. کتابی که دارای چنین مؤلفه‌هایی باشد طبعاً برای مسائل جدیدی که مولود گذر زمان و اکتشافات و پیشرفت‌ها است دارای راه‌حل است. از آنجایی که مدرنیته و مسائل جدید در زندگی مسلمانان از امور اجتناب پذیر است، آموزه‌های اسلامی به گونه‌ای است که روح قرآنی را در سبک زندگی مدنظر قرار می‌دهد و نافی کلیت مدرنیته نیست، همین ویژگی رمز جاودانگی و پویایی احکام اسلامی است و از لوازم معجزه عقلی قرآن است. در روایات معصومان (ع) هم سبک زندگی در آینه پیشرفت مدنظر قرار گرفته است، چنانچه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لا تقسروا أولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم». (۵۷)؛ فرزندان را بر آداب خود تربیت نکنید؛ چرا که آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند. با توجه به روایت فوق آن چیزی که در سبک زندگی اسلامی حائز اهمیت است تربیت فرزندان با مبنای قرآنی و توجه به لوازم گذر زمان و مسائل نوظهور است، چون در این حالت است علی‌رغم حفظ روح قرآنی در سبک زندگی از مسائل جدید نیز غافل نمی‌شود. روح قرآنی در این حالت مقیاسی کارآمد برای ارزیابی لوازم مدرنیته است بدین تعبیر اگر مسائل و امکاناتی مخالف با روح قرآنی نباشد و کاربست آن در سبک زندگی در راستای وصول به اهداف پیشرفت و سعادت‌مندی دنیوی و اخروی خانواده باشد، در این حالت مدرنیته می‌تواند با

18. Mostafavi H, *Altahghigh fi Kalamat Alquran Alkarim*, 3th ed, Beirut, Dar Alkotob Alelmiyeh, p. 168.169.
19. Mostafavi H, *Tafsir Roushan*, vol 9, Tehran, Markaz Nashr Ketab, 1380, p. 248
20. Makarem Shirazi N. *Tafsir Nemooneh*, vol 16, Tehran, Darolkotob Aleslamiyeh, 1374, p. 391.
21. Hofstede, G, *Cultures and organizations: Software of the mind*, New York: McGraw-Hill Book. 1991, p. 51
22. Balakhani Q, Maleki A, Zohure Fardgarace dar Arse Khanevadeh, *Motaleat Rahbordi Zanan*, 1396, 2(77), p. 10.
23. Mir Mohammad Rezaee Z, et al, *Jahani Shodan va Tahavolat Jamiyati Khanevedeh Irani*, Zan va Motaleat Khanevedeh, 1396, 35, p. 125.
24. Makarem Shirazi N. *Tafsir Nemooneh*, vol 3, Tehran, Darolkotob Aleslamiyeh, 1374, p. 144.
25. Aroosi Alhineyzi A. *Tafsir Noor Alsagholayn*, vol 1, 4<sup>th</sup> ed, Qom, Esmailian, 1415, p. 404.
26. Noori H, *Mostadrek Alvasael va Mostanbet Almasael*, vol 8, Qom, Moaseseh Al Albeyt, 1408, p. 343.
27. Majlesi M, *Bahar Alanvar*, vol 72, 2<sup>th</sup> ed, Beirut, Dar Ehya Altoras Alarabi, 1403, p. 104.
28. Johari E, *Alsehah*, vol 5, Beirut, Darolelm lelmolaeen, 1407, 1868.
29. Ebn Asi Jazari M, *Annahaye fi gharib Alhadis va Alasar*, vol 1, 4th ed, Qom, Moaseye Matbooati Esmailian, 1367: p 85
30. Ebn Manzur M, *Lesan Alarab*, 3<sup>th</sup> ed, Beirut, Darsader, 1414: p. 39
31. Regheb Esfahani H, *Mofradat Alfaz Quran*, vol 1, 2<sup>th</sup> ed, Mortazavi, 1374, p. 226.
32. Makarem Shirazi N. *Tafsir Nemooneh*, vol 14, Tehran, Darolkotob Aleslamiyeh, 1374, p. 457.
33. Tabatabaee M, *Almizan fi Tafsir Alquran*, vol 15, Qom. Enteshrat Eslami Moderniteh, *Tarbiyat Eslami*, 1396, 24, p. 49-72.
3. Mirsado T, *Farhang Jame Jameshenasi*, Tehran, Soroosh, 1379, p. 875.
4. Dehkhoda A, *Loghatnameh*, Tehran, Daneshgah Tehran, 1373,
5. Dibaji M, Tavakolnejad M, *moalefehaye sabke zendegi dini az manzare Ayatollah Javadi Amoli va Emkan Baznamaee an dar Resanehaye Modern*, *Pazhoheshnameh Sabke Zendegi*, 1395, 1(2), p 7-32
6. Pakroo M, *Oughat Faraghat va Sabke Zendegi*, Tehran, Ketabnak, 1390: p. 112.
7. Nasiri V, et al, *Moalefehaye Bonyadin dar Sabke Zendegi Eslami*, *Faslnameh Farhang Mardom Iran*, 1395, 45-46. P. 159-178.
8. Kaviani M, *Sabke Zendegi va Abzar Sanjesh an*, Tehran, *Pazhoheshgah Hoze va Daneshgah*, 1391, p 107.
9. Nejati M, *Quran va Ravanshenasi*, 5<sup>th</sup> ed, Mashhad, Astan Qods, 1381, p 229-232.
10. Safaee H, Emami A, *Mokhtarer Hoghugh Khanevadeh*, 50<sup>th</sup> ed, Tehran, Bonyad Hoghughi Mizan, 1397, p. 17.
11. Katuzian N, *Hoghugh Madani; Khanevedeh*, vol 1, 5<sup>th</sup> ed, Tehran, Sherkat Sahami Enteshar, 1378, p. 4.
12. Carter B, McGoldrick M, *The Expanded Family Life Cycle; Individual, Family and Social Perspectives*, Boston, Pearson Education Company, 2004, p. 1.
13. Farahidi Kh, *Ketab Aleyn*, Qom, 2<sup>th</sup> ed, Hejrat, 1410. P. 4.
14. Azhari M, *Tahzib Alloghat*, Beirut, Altoras Alarabi, 2001: p. 220.
15. Johari E, *Alsehah*, vol 4, Beirut, Darolelm lelmolaeen, 1407, 1629
16. Ebn Fars A, *Mojam Almaghayes Alloghat*, vol 1, Qom, Maktab Alaem aleslami, 1404: p. 150- 166
17. Regheb Esfahani H, *Mofradat Alfaz Quran*, Beirut, Darolghalam, 1412, p. 96.

47. Sheykh Hor Ameli M, Vasoleloshia, vol 22, Qom, Moaseseh Al Beyt, 1409, p. 7-9.
48. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh, vol 3, Tehran, Darolkotob Aleslamiyeh, 1374, p. 376-377
49. Safaee H, Emami A, Mokhtarer Hoghugh Khanevadeh, 50<sup>th</sup> ed, Tehran, Bonyad Hoghugh Mizan, 1397, p. 36.
50. Ameli M, Nahayeh Almaram fi Mokhtasar Sharaye Aleslam, Vol 2, Qom, Dftar Entesharat Eslami, 1411, p. 10.
51. Safaee H, Emami A, Mokhtarer Hoghugh Khanevadeh, 50<sup>th</sup> ed, Tehran, Bonyad Hoghugh Mizan, 1397, p. 218.
52. Tavoosi M. et al, Tamayol be Farzand Avari va Avamel Mortabet ba an dar Iran; Yek Motalea Melli, Payesh, 1396, 16(4), p. 407.
53. Montazeri A, Barrasi Mizan Tamayol be Farzand Avari va Avamel Mortabet ba An az Negah Mardom Shahri va Roostae Iran, Tehran, Pazhoheshkade Olum ehdshti Jahad Deneshgahi, 1395, p. 59.
54. Esfahani M, Molaz Alakhbar fi Fahm Tahzib Alakhbar, vol 12, Qom. Ketabkhane Ayatollah Marashi, 1406: p. 284.
55. Mosavi Bojnordi M, Torkaman E, Velayat Madar dar Fiqh va Hoghugh ba Negaresh be Andishe Emam Khomeini, Pazhoheshname Matin, 1385, 33, p. 139
56. Mohamadi S, et al, Taghadom Hagh Valayet Ghahri Madar Nesbat be Jad Pedari bar Mabnaye Masaleh rooz, Majaleh Hoghugh Dadgostari, 1396, 98, p 193.
57. Ebn Abi Hadid A, Sharhe Nahjolbalaghe, vol 20, Qom, Maktabe Ayatollah Marashi Alnajafi, 1404: p 267.
58. Koleyni M, Alkafi, vol 1, 4<sup>th</sup> ed, Tehran, Darokotob Aleslamiyeh, 1407, p. 27.
- Jamea Modaresin Qom, 5<sup>th</sup> ed, 1417, p. 113.
34. Ghorshi A, Tafsir Ahsan Alhadis, vol 7, 3<sup>th</sup> ed, Tehran, Bonyad Besat, 1377, p. 214
35. Kelsen H, Nazariye Nab Hoghugh, Nematollahi E, Qom, Pazhoheshgah Hoze va Daneshgah, 1391, p. 139.
36. Javidi M, Haghe Tabiee ya Haghe Positivisti; Baztarif Hagh dar Hoghugh Eslami, Pazhuheshnameh Hoghugh Eslami, 1394, 42, 130.
37. Safaee H, Emami A, Mokhtarer Hoghugh Khanevadeh, 50<sup>th</sup> ed, Tehran, Bonyad Hoghugh Mizan, 1397, p. 30.
38. Mirzaee M, Goftari dar Bab Jamiyat Shenasi Karbordi, 5<sup>th</sup> ed, Tehran, Deneshgah Tehran, 1386, p. 84.
39. Markaz Amar Iran, Talagh dar Iran 1396, Gozaresh Rasmi Talagh dar Iran, Tehran, Sazman Sabt Ahval Keshvar, 1397, p. 54.
40. Sharafodin H, Taamoli bar mozu Tajarod Zanan dar Iran, Faslnameh Motaleat Eslami Asibhaye Ejtemae, 1397, 1(1), p. 25.
41. Najafi M, Javaher Alkalam fi Sharh Sharaye Aleslam, vol 26, 6<sup>th</sup> ed, Tehran, Maktab Aleslamiyeh, 1394, p 38.
42. Toosi A, Alkhelaf, vol 3, 1<sup>th</sup> ed, Qom, Moaseseh Nashre Eslami, 1417, p. 283.
43. Shokri F, Barresi Hoghugh sen Ezdevaj va Roshd Dokhtaran, Motaleat Rahbordi Zanan, 1387, 40, p. 131.
44. Meghdadi M, Javadpoor M, Tasir Ezdevaj Zood Hengam bar Salamat Jensi Koudakan va Sazokarhaye Moghabele ba an, Faslname Hoghugh Pezeshki, 1397, 40, p. 33.
45. Ameli Sh, Masalek Alafham ela Tanqih Shatare Aleslam, Vol 9, Qom, Moaseseh Maaref Eslami, 1413, p. 9.
46. Safaee H, Emami A, Mokhtarer Hoghugh Khanevadeh, 50<sup>th</sup> ed, Tehran, Bonyad Hoghugh Mizan, 1397, p. 218.